

## **China, BRICS and the Evolution of the Institutional Order of the Global Economy**

**Saeed Mirtorabi\***  
**Mehrdad Fallah\*\***

### **Abstract**

Cooperation among Brazil, Russia, India, China and South Africa (BRICS) has been increasing since the first BRICS meeting (Brazil, Russia, India and China) in 2006, and this group has gradually gained a more important position in the field of international economic issues. In the BRICS group, despite being limited, the members along with China have tried to counter the global hegemonic financial institutions by establishing new financial institutions in the frame of BRICS, One-Belt-One-Road. This study attempts to examine the role of growing China in BRICS and how to change the governance of the global economy and the potential of its independent initiatives for the impact of BRICS on the global economy. On the other hand, China is considered an emerging power that is rapidly improving its position in the international economic order. In such a way that it is likely that this country will become the future hegemonic power of this area. his article tries to answer the question: How did China use BRICS to transform the world economic order in 2009-2020? This paper will show that the diversity of BRICS members limits the use of their potential to change the governance structure of the global economy. It is important to note that the economic policies and internal interests of China, India, and other members of the BRICS are different, and this makes them have different preferences and positions in the international system.

**Keywords:** China; BRICS, BRICS Plus, global economy; emerging powers.

**Article Type:** Research Article.

---

**Citation:** Mirtorabi, Saeed & Fallah, Mehrdad (2022). China, BRICS and the Evolution of the Institutional Order of the Global Economy, *International Political Economy Studies*, 5 (2), 415-446.

---

\* Associate Professor International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

\*\* PhD student of International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), mehrdadfallah70@yahoo.com

---

*International Political Economy Studies*, 2022, Vol. 5, Issue 2, pp. 415-446.



Copyright © The Authors  
Publisher: Razi University.

## چین، بریکس و تحوّل در نظم نهادی اقتصاد جهانی

سعید میر ترابی\*

مهرداد فلاح\*\*

### چکیده

همکاری میان اعضای بریکس، پس از اولین گردهمایی بریک در سال ۲۰۰۶، تاکنون رو به افزایش بوده و این گروه به تدریج، جایگاه مهم‌تری را در زمینه مسائل اقتصادی بین‌المللی به دست آورده است. در گروه بریکس با وجود محدود بودن، اعضا همراه با چین با ایجاد نهادهای مالی جدید در قالب بریکس، یک کمربند-یک جاده، برای مقابله با نهادهای مالی هژمونیک جهانی تلاش کرده‌اند. نوشتار پیش رو می‌کوشد نقش چین در حال رشد را در بریکس و چگونگی تغییر حاکمیت اقتصاد جهانی و پتانسیل ابتکارات مستقل آن برای تأثیر بریکس بر اقتصاد جهانی بررسی کند؛ از سوی دیگر، چین قدرتی نوظهور به شمار می‌رود که به سرعت در حال ارتقای جایگاه خود در نظم اقتصادی بین‌المللی است. به گونه‌ای که احتمال می‌رود این کشور به قدرت هژمون آینده این حوزه تبدیل شود. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که: چین برای ایجاد تحوّل نظم اقتصادی جهان در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۲۰ چگونه از بریکس بهره گرفته است؟ جستار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی که از رویکردی به‌طور عمده کیفی استنباط می‌کند. فرضیه‌ای که در همین راستا مورد آزمون قرار گرفته، این است که چین با بهره‌گیری از سازوکار بریکس و بریکس پلاس، کوشیده است تا از راه نهادسازی و تغییر روابط خود با قدرت‌های بزرگ، نظم اقتصادی جهان را در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۲۰ در راستای منافع خود متحوّل کند. پژوهش حاضر بر نگاه ابزاری چین به گروه بریکس و ابتکارهایی که مقام‌های پکن در چارچوب سازوکار بریکس در پیش گرفته‌اند، تأکید دارد.

**کلیدواژه‌ها:** چین، بریکس، بریکس پلاس، اقتصاد جهانی، قدرت‌های نوظهور.

**نوع مقاله:** پژوهشی.

\* دانشیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

\*\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). mehrdadfalah70@yahoo.com

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره دوم، ۴۴۶-۴۱۵.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



## ۱. مقدمه

همکاری میان برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی (بریکس<sup>۱</sup>)، پس از اولین گردهمایی بریک (برزیل، روسیه، هند و چین) در سال ۲۰۰۶، تاکنون رو به افزایش بوده و باعث جلب توجهات آکادمیک به سمت این گروه پنج‌گانه قدرت‌های نوظهور گردیده است (Beeson & Zeng, 2018: 39). در شرایط کلان، حضور چین در گروه بریکس، رشد اقتصادی آن و همکاری این گروه با کشورهای در حال توسعه را بهبود بخشیده و سبب تثبیت قدرت سیاسی و اقتصادی آن شده است. گروه بریکس این زمینه را برای چین هموار کرده تا سیاست خود را نسبت به نظام بین‌الملل و اقتصاد جهانی و عدم پذیرش از تقسیم‌بندی قدرت موجود را آشکار سازد و از آن به‌عنوان یک اهرم در عرصه بین‌المللی استفاده نماید.

چین با توجه به رشد اقتصادی مطلوب، رویکرد خود را در نظام بین‌الملل بر پایه اقتصادی ترسیم نموده و خود را به‌عنوان یک دولت صلح‌طلب سازمان‌دهی کرده است. از دیگر سو، این کشور از نهادها و رژیم‌های بین‌المللی برای تأکید بر سیستم چندقطبی متعادل استفاده می‌کند؛ زیرا این کشور تلاش دارد که از این طریق، بهره‌مندی خود از قدرت جهانی را ارتقا دهد، جایگاه بین‌المللی خود را تحکیم بخشد و در روابط با کشورهای در حال توسعه، زمینه برآمدن قدرت‌های در حال ظهور را فراهم کند. در همین راستا، چین به‌عنوان کشوری که در صدد ایفای نقش فعال در اقتصاد جهانی بوده است، از تسلط قدرت‌های بزرگ بر سیستم موجود و به‌ویژه مدیریت جهانی آن‌ها اعلام ناخرسندی می‌کند (Gundumella, 2018: 9). از این رو، چین برای آنکه در نظم بین‌الملل بتواند به‌صورت مؤثر به اهداف خود دست یابد، به ائتلاف با قدرت‌های در حال توسعه که با اهداف و منافع چین هم‌سوئی بیشتری دارند، پرداخته است که بریکس نمونه بارزی در این زمینه محسوب می‌شود.

در ذیل گروه بریکس، چین به ایجاد نهادهایی از جمله بانک توسعه نوین و صندوق ذخیره<sup>۲</sup> متوسل شده است. افزون بر آن، پکن تلاش کرده است تا دیگر ابتکارات خود را در

---

1. BRICS  
2. New Development Bank and Reserve Fund

چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۱۷

این همکاری به کار برد؛ از جمله می توان به طرح یک کمربند - یک راه<sup>۱</sup> و بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیا<sup>۲</sup> اشاره کرد (Cheng, 2019; Hooijmaaijers, 2015: 319). این نوشتار در ابتدا به بررسی تحولات جدیدی می پردازد که در حاکمیت اقتصاد جهانی<sup>۳</sup> رخ داده است و سپس کاوشی خواهد داشت مبنی بر اینکه چگونه چین می کوشد تا از راه بریکس حکمرانی اقتصادی جهانی را تغییر دهد.

در بخش نتیجه گیری، یافته های اصلی این نوشتار به طور خلاصه بیان می شود و ارتباط آن ها به تفصیل شرح داده خواهد شد؛ همچنین، با توجه به روش کیفی به منابع چندگانه اطلاعاتی، از جمله: ادبیات مربوطه ثانویه، بیانات رسمی بریکس و دولت های کشورهای بریکس، استناد شده است. برای آنکه درک عمیق تری از پدیده بریکس به دست آوریم، به منابع تجربی دیگری از جمله: بررسی مقالات، روزنامه ها و بررسی مصاحبه کارشناسان بریکس، استناد شده تا موضوع از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع مورد نظر به دلیل اینکه تحولات همچنان در جریان است آثار چندانی نگاشته نشده است، اصولاً در مورد چین و بریکس کتب و مقالاتی به زبان های مختلف نگاشته شده است ولی در مورد نوع نگاه چین به بریکس در جهت تغییر نظم لیبرال با شیوه های متدلوزیک به بررسی مبحث مورد نظر پرداخته نشده است. در این پژوهش سعی خواهد شد زوال ایالات متحده و قدرت یابی چین با هم راستا قرار دادن بریکس در تحول نظم لیبرال به رشته تحریر درآید. برای مثال، در مقالات لاتین، پدرو مورازان<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) در کتابی با عنوان نقش بریکس در جهان در حال توسعه، با تقسیم بندی کتاب به پنج بخش، ضمن معرفی کشورهای عضو بریکس، به تغییر همکاری ها در بخش توسعه در طول دهه گذشته، نقش بریکس در کشورهای در حال توسعه و همکاری جنوب - جنوب، چالش هایی که از سوی غرب رو به روی این گروه وجود دارد و نیز ارائه راه حل ها می پردازد.

- 
1. One Belt-One Road
  2. Infrastructure Investment Bank
  3. World Economy
  4. Pedro Morazan

مارینا لاریونوا و آندری شلپوف<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بریکس، گروه ۲۰ و اصلاح حکمرانی اقتصادی جهانی» به پتانسیل‌های هر کشور از قبیل وسعت، جمعیت، زیرساخت‌های اقتصادی و... در فرایند اقتصاد جهانی می‌پردازد. از دید این مقاله کشورهای عضو بریکس به‌عنوان اقتصادهای در حال ظهور می‌توانند به‌عنوان بدیلی برای غرب در دهه آینده برای اقتصاد جهانی مطرح شوند.

آندریا جاکلیچ<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در کتاب چین و ایالات متحده: دو ابرقدرت در اقتصاد جهانی، از آخرین اطلاعات اقتصادی و تجاری برای نشان‌دادن چگونگی آمیختگی محیط‌های تجاری و اقتصادی چین و ایالات متحده استفاده می‌کند و شرح مفصلی از چگونگی ادغام شرکت‌های چندملیتی از ایالات متحده در اقتصاد چین ارائه می‌دهد. نگارنده با توجه به پروژه نهادسازی موازی چین، ضمن احترام به نظم لیبرال، به‌عنوان پیشگام در نظم چندجانبه جهانی، انتظار یک نظم شبه‌کنسرتی منطقی را دارد که بر زبان مشترکی برای به توافق رسیدن ذی‌نفعان در سطح جهانی مبتنی است. این کتاب، عنوان بخشی از مجموعه شورای مطالعات شرکت‌های فراملی، به خواننده اجازه می‌دهد تا تعاملات چندملیتی با اقتصاد چین و آمریکا را پیش ببرد.

افزون بر مقالات لاتین، پژوهش‌های متعددی در داخل کشور نیز به چرایی و چگونگی خیزش چین و تغییر در نظم بین‌الملل پرداخته‌اند. حمیدرضا کریمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «نهادسازی موازی چین گامی در جهت گذار صلح‌آمیز نظم بین‌الملل»، بیان دارد که نهادسازی موازی چین برای شکل‌دهی به یک زنجیره ارزش اقتصادی غیر آمریکایی در بلندمدت منجر به تغییر جهت‌گیری سیاسی دولت‌های مشارکت‌کننده شده و گذار مسالمت‌آمیز را رقم خواهد زد؛ و درنهایت چین بدون درگیر شدن در یک جنگ سخت بزرگ، به یک قدرت بزرگ چندبعدی تثبیت‌شده تبدیل خواهد شد.

محسن شریعتی‌نیا و حیدر علی مسعودی (۱۳۹۸) در مقاله «چین و نظم‌های بین‌الملل» بیان دارد مخالفت بانظم هژمونیک، تنش‌آفرینی رو به گسترش در نظم مبتنی بر موازنه قدرت، تجدیدنظرطلب اصلاح‌گرایانه در قبال نظام نهادینه و نهادسازی موازی، مؤلفه‌های

---

1. Marina Larionova & Andrei Shelpov

2. Andreja Jaklič

شکل دهنده به نگرش و رفتار راهبرد چین در قبال نظم‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که رفتار راهبردی چین در سیاست بین‌الملل بسیار پیچیده‌تر از کلیشه‌های رایج همچون «چالش‌گر» و «تجدیدنظرطلب» است. در تمامی پژوهش‌های انجام‌شده در باب ظهور چین، تغییر در نظم بین‌الملل و تزلزل در جایگاه ایالات به‌صورت جامع به نهادسازی انجام‌شده نمی‌پردازند و برخی از آن‌ها به‌صورت موردی تأثیر هر یک از این موارد را بر نظم بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. از این‌رو، در این مقاله تلاش شده است که نگرش‌ها و رفتارهای چین در بریکس برای تحول نظم مالی بین‌المللی را مورد بحث قرار دهد.

### ۳. مبانی نظری: نظم بین‌الملل لیبرال

در سده گذشته، ایده‌های نظم بین‌المللی لیبرال را وودرو ویلسون گسترش داد و فرانکلین روزولت هری ترومن به بازسازی آن پرداخت. نظم بین‌المللی لیبرال به تدریج متحول شده و به‌طور متناوب خود را اصلاح کرده است. نظم بین‌المللی لیبرال، نهادها را از یک‌سو و هنجارها و ارزش‌های گوناگون را از دیگر سو، در کانون توجه خود قرار داده است. ادعای اصلی این رویکرد این است که از الگوهای یکپارچگی و وابستگی متقابل (به دلایل استراتژیک و ژئوپلیتیک) نیروی مستقلی به‌دست آورده و مانع بازگشت به دوران جنگ و خودکامگی می‌شود؛ زیرا مجموعه‌های پیچیده‌ای از نهادها در نظم بین‌الملل تدوین شده‌اند و این نهادها حتی با فروپاشی شرایط رئالیستی که باعث شکل‌گیری آن‌ها شده، جان سالم به‌در برد و در طول دهه‌های آینده نمود پیدا خواهند کرد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۹۵: ۳۴۲).

درواقع، نظم بین‌الملل همواره در روابط بین‌الملل در نزاع بوده است. به‌گونه‌ای که اندیشمندان مختلف از مفاهیم نظری متفاوت، تعاریف مختلفی از آن ارائه داده‌اند. جان میرشایمر نظم را این‌گونه تعریف می‌کند: نظم، مجموعه‌ای از نهادهای بین‌المللی سازمان‌یافته است که به هدایت و مدیریت تعامل میان دولت‌های عضو کمک می‌کند (Mearsheimer, 2019: 9). هدلی بول نظم بین‌الملل را الگوی فعالیتی می‌داند که دربرگیرنده اهداف اولیه و اصلی جامعه شوراها یا جامعه بین‌المللی است و حفظ جامعه کشورها و استقلال آن‌ها و درنهایت، ایجاد و نگهداری صلح از اهداف اصلی به‌شمار می‌رود. هنری کسینجر نیز نظم بین‌الملل را بر مبنای دو عنصر تعریف می‌کند؛ ۱. مجموعه‌ای از قواعد رایج

پذیرفته شده که محدوده اعمال مجاز را مشخص می‌کند. ۲. موازنه قدرت که در صورت شکستن قوانین محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند و مانع از آن می‌شود که یک دولت سایرین را تحت انقیاد خود درآورد. به عبارتی، نهادها و توازن قوا را دو ویژگی اصلی نظم بین‌الملل می‌داند (کریمی، موسوی شفقانی و اسلامی، ۱۳۹۸: ۳۹۴).

قابل ذکر است که نظم جهانی لیبرال صرفاً شامل نظم هژمونیک ایالات متحده نمی‌شود. نظم لیبرال، یک نظم قانون‌محور را ارائه می‌دهد؛ یک نظام باز که مکانیسم‌هایی را که برای ثبات و همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌ها در یک نظام آنارشی لازم است، ایجاد می‌کند. نظم جهانی لیبرال، نه تنها وسایل روابط اقتصادی را و در حقیقت توسعه یکنواخت رشد قدرت‌های ظهور یافته را به وسیله قادر ساختن تمام بازیگران برای درگیر شدن در روابط اقتصادی بین‌الملل قانون‌محور را فراهم می‌کند، بلکه مکانیسم‌هایی را نیز برای امنیت دسته‌جمعی، حل منازعه، رفع درگیری‌ها و اقدامات جمعی، ایجاد می‌کند؛ بنابراین، نظم بین‌الملل معاصر، یک دسته از قواعد بازی و مکانیسم‌هایی را به کشورها ارائه می‌دهد که این قواعد می‌تواند شرایطی را برای روابط بین‌الملل باثبات به وسیله کاهش تأثیرات منفی آنارشی بین‌الملل را فراهم کند.

در چارچوب این دیدگاه دولت‌هایی که اولویت‌های مشترکی دارند، ائتلاف‌های باثباتی را شکل می‌دهند؛ اما این پژوهش در تلاش است تا با مبنا قرار دادن تعریفی که کسینجر در ارتباط با نظم ارائه می‌دهد، شاخص‌های ترکیبی برای گذار در نظم بین‌الملل فراهم کند. با توجه به دیدگاه کسینجر، برای گذار در نظم بین‌الملل، دو شرط ضروری است؛ ۱- تحوّل نهادی؛ ۲- تغییر قدرت. بدین ترتیب، گذار نظم زمانی اتفاق می‌افتد که تغییر عمده‌ای در قوانین و نهادها و یا توزیع قدرت اتفاق افتد (رادگودرزی و صفری، ۱۳۹۸: ۲۳۷).

درحقیقت دو شرط گذار نظم با یکدیگر ارتباط متقابل دارند؛ بدین ترتیب که تغییرات نهادی ممکن است باعث تغییر قدرت در نظم بین‌الملل شود و از سوی دیگر، تغییر قدرت در بین دولت‌ها نیز باعث تحوّل نهادی خواهد شد. در نهادسازی و به‌ویژه نهادسازی‌های اقتصادی، دولت‌های مشارکت‌کننده از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌شوند و تلاش برای یافتن متحد جدید شدیدتر می‌شود؛ زیرا منابع این کشورهای می‌تواند بر ظرفیت کلی هر یک از دولت حامی نظم و با دولت چالش‌گر نظم بیفزاید (رادگودرزی و صفری، ۱۳۹۸:

چین، بریکس و تحوّل در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۲۱

(۲۳۸). از سوی دیگر، تغییر قدرت درون سیستم، زمانی اتفاق می‌افتد که قدرت‌های جدیدی ظهور نمایند؛ به این معنی که منطق تحوّل و تغییر شکل نظام بین‌الملل در دو روند کلان «افول» و «ظهور» قدرت‌های بزرگ نهفته است.

ظهور قدرت‌هایی همچون ژاپن، اتحادیه اروپا، چین، روسیه، هند و برخی قدرت‌های دیگر در عرصه بین‌الملل که هژمونی آمریکا را به چالش کشانده‌اند و هریک به‌نوعی منافع آمریکا را در حوزه‌های مختلف تهدید می‌نمایند، یکی از عوامل تغییر در نظم جهانی می‌باشند. در واقع، نقطه‌ی آغاز بحران از آنجایی است که قدرت‌های بزرگ به دیگر کشورها کمک می‌کنند تا قدرت یکپارچه را تقویت کنند که این امر می‌تواند با تضعیف یکپارچگی نظم لیبرال را به پایان برساند (Parížek & Stephen, 2019: 736). این همان چیزی است که با ظهور چین و تبدیل این کشور به قدرت برتر اقتصاد جهان در آینده‌ای نزدیک، اتفاق خواهد افتاد؛ زیرا چین خارج از نظم تثبیت‌شده غربی در حال ظهور است که می‌تواند سبب افزایش سرعت افول نظم لیبرال غربی گردد.

بر این اساس، می‌توان گفت چین از راه بریکس به موازات افزایش قدرت اقتصادی و مالی خود در عرصه جهانی و خواهان کسب سهم بیشتر در نهادهای مالی برتون وودز بوده است. همچنین با نهادسازی بین‌المللی، همچون بانک سرمایه‌داری زیرساخت آسیایی و بانک توسعه جدید بریکس، با تأکید بر برابری در تعیین تصمیمات در داخل نهادهای بین‌المللی، به‌عنوان یک رقیب مقابل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. ابتکار چین در ایجاد این نهادها، توافقی با کشورهای در حال توسعه برای شکل‌دهی و راه‌اندازی و حرکت به‌عنوان یک قدرت بزرگ یک سیستم مالی چندجانبه رو به جلو است. این نهادها می‌تواند جایگاه چین را به‌عنوان قدرت بزرگ در حال رشد درون یک سیستم بین‌المللی ایجاد کند.

#### ۴. نهادسازی بین‌المللی چین برای متحوّل کردن اقتصاد جهانی

جان ایکنبری<sup>۱</sup> در مقاله سال (۲۰۱۴) خود با عنوان «آینده نظم جهانی لیبرال»، به افول قدرت ایالات متحده آمریکا و تغییر قدرت جهانی از قدرت متمرکز به نظام چندقطبی، توجه داشته است. از دیدگاه او، جهان به‌نوعی در وضعیت تغییر قدرت جهانی، از قدرت



متمرکز به نظام چندقطبی است که می‌توان آن را به‌مثابه «سیستم توزیع قدرت» یاد کرد که کشور چین شاید بیش‌ترین بهره را از این توزیع قدرت، داشته باشد. وی معتقد است که برخی از قدرت‌های در حال ظهور به موازات افزایش قابلیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکشان، خود را به‌گونه‌ای روزافزون با نظم موجود تطبیق داده‌اند (ژاپن، آلمان). برخی دیگر همچون چین به موازات افزایش توانایی‌ها، ظرفیت و خواست بیشتری برای به چالش کشیدن نظم موجود پیدا کرده‌اند (Ikenberry, 2014: 56). از این رو، توزیع قدرت در برخی موارد باعث از میان رفتن نظم موجود و تولد نظامی جدید شده است.

گیدون راشمن<sup>۱</sup>، بحران سال ۲۰۰۸ میلادی در آمریکا را علل افول موقعیت جهانی ایالات متحده دانسته و رشد اقتصادی و نظامی چین را یکی از تهدیدهای مهم و بلندمدت برای نظم بین‌المللی آمریکا دانسته است. به عقیده راشمن، در مقابل ضعف ایالات متحده، قدرت‌های نوظهور هستند که هر یک از این کشورها با توجه به اولویت‌های سیاست خارجی خود، نظم بین‌المللی آمریکا را محدود می‌کنند (Rachman, 2011: 43). در واقع، محدود کردن نظم بین‌المللی غربی سبب توزیع قدرت به نفع قدرت‌های در حال ظهور بود. با این شرایط، می‌توان گفت که چین در پی نظامی جدید در کل دنیا، ساختار سیاسی و مالی جدید، شیوه‌ای جدید برای مدیریت و کنترل تمامی امور در مقیاس جهانی است.

در دهه‌های گذشته، در دسامبر ۲۰۱۴ شی جین‌پینگ به سیاست‌هایی دست زده است که ظرف ده سال آینده احتمالاً به تغییرات چشم‌گیر در نظم بین‌الملل منتهی می‌شود. وی به مقامات دستور داد تا در «تدوین قواعد بین‌المللی، نظرات چین را بیشتر دخیل کرده و ارکان چینی بیشتری به نظم تزریق کنند تا منافع توسعه کشور ما حفظ شده و گسترش یابد» (Heilmann, 2014: 12). در راستای این سیاست، چین مشغول ایجاد سازمان‌های بدیلی است که بیشتر پذیرای اعمال قدرت چین باشند.

در واقع، بسیاری از نهادهای موازی‌سازی چین همتای سازمان‌ها و نهادهای موجود تحت رهبری ایالات متحده و متحدانش هستند؛ اما ترجیحات چین را بیشتر مدنظر قرار می‌دهند؛ زیرا اساساً از سوی مقامات چینی سازمان‌دهی شده یا تحت رهبری آن‌ها قرار دارند. برای نمونه، چین به‌عنوان یک کشور رهبر در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی،

---

1. Gideon Rachman

چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۲۳

می‌تواند برخی از منابع مالی این مؤسسات را به سمت پروژه‌هایی که خود به آن‌ها تمایل بیشتری دارد، هدایت کند و بانک‌های توسعه چندجانبه جدید نیز می‌توانند ابزاری باشند که وابستگی این قدرت‌های نوظهور را به دلار ایالات متحده کاهش دهند، برای مثال، پکن امیدوار است که استفاده از پول ملی خود، یعنی یوان را در هر دو بانک گسترش دهد و رواج بین‌المللی این پول را تقویت کند (Wang, 2017: 113).

از سال ۲۰۱۴ به بعد، چین به تدریج دیپلماسی بی‌سروصدا و ابتکارپذیری را که از آغاز دوره اصلاحات در پیش گرفته بود را کنار نهاده و نوعی سیاست خارجی بسیار فعال، ابتکارگرا و نهادساز را در پیش گرفته است. ابتکارات و نهادسازی‌هایی که این کشور در دوره ریاست شی جین پینگ صورت داده، در تاریخ مدرن آن بی‌سابقه است. بانک بریکس، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و ابتکار یک کمربند - یک راه، مهم‌ترین نمادهای کوشش چین برای نظم‌سازی موازی‌اند (Ikenberry, 2019: 19). این نهادها چین محور و سلسله‌مراتبی‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت این کشور به تدریج به نهادسازی موازی برای حفاظت از موقعیت بین‌المللی خود، ائتلاف‌سازی و پیشبرد دستور کار بین‌المللی مطلوب خود، رو آورده است. نهادسازی موازی چین چالش آشکاری برای نظم نهادینه ایجاد نکرده است؛ اما رقابت نهادی را افزایش داده است. بر این اساس، با توجه به جدول ذیل، قابل توجه است که چین در راستای تقویت نهادگرایی و ایفای نقش کلیدی نهادسازی غیر غربی، همکاری در مکانیسم‌های سیاسی و اقتصادی بین‌الملل و ایجاد یک مرکز جدید قدرتمند از همکاری‌های بین‌الملل در آینده، در جهت ایجاد نهادهای جدید در درون بریکس یا در نظم بین‌الملل در کنار سایر اعضا گام برداشت.

#### جدول ۱. نهادسازی موازی چین در برابر نهادهای بین‌المللی غربی

نهادهای مالی بین‌المللی غربی	نهادسازی مالی بین‌المللی چین
۱. بانک جهانی	۱. گروه بریکس، بریکس پلاس
۲. بانک توسعه آسیایی	۲. بانک توسعه جدید آسیایی
۳. صندوق بین‌المللی پول	۳. بانک زیرساخت آسیایی
۴. مکانیسم بازار ارز بین‌الملل	۴. سیستم پرداخت ارز (یوان)
۵. سیستم پرداخت مستمر	۵. مکانیسم CIPS برای بین‌المللی کردن رنمینی

بدین ترتیب، می‌توان گفت که نهادسازی موازی چین به‌عنوان نهادهای بین‌المللی در

حوزه اقتصادی و سیاسی همراه با عضویت قدرت‌های نوظهور، بیش از هر چیز دارای کارکردی سیاسی در مقابل نهادهای سیاسی غرب، از جمله گروه هفت است و چشم‌انداز آینده آن، توسعه همکاری‌های اعضا به حوزه‌های دیگر، به شکلی است که بتواند به‌عنوان بدیل غیر غربی در مقابل نهادهای غربی به شمار رود که در ادامه پژوهش به آن می‌پردازیم.

#### ۴-۱. بریکس به‌عنوان یک شکل مالی و تجاری

در سال ۲۰۰۱، متخصص اقتصادی، جیم اونیل از گلدمن ساکس، نام اختصاری «بریک» را برگزید تا بر اقتصادهای بالقوه در قدرت‌های نوظهور برزیل، روسیه، هند و چین مهر تأیید نهد (O'Neill, 2001: 16). البته تاریخ بریکس به نیمه اول دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد که دوقطبی بودن جهان پایان یافت و بریکس یکی از تبعات فوری این تغییرات بود (Rewizorski, 2015: 180).

در سال ۱۹۹۶، ایوگنی پریماکف، وزیر امور خارجه روسیه فدرال، نظریه چندقطبی را ارائه داد. وی بر احیای ارتباطات صمیمانه با هند و توسعه روابط دوستانه با جمهوری خلق چین، تمرکز نمود و همچنین ایجاد یک مرکز سه‌گانه‌ای همکاری اقتصادی میان روسیه، هند و چین را به‌عنوان جایگزین انبساط اروپایی/ غربی پس از جنگ سرد، پیشنهاد داد (Hooijmaaijers, 2019: 3). در سال ۲۰۰۶، وزیران امور خارجه چهار کشور که برای نخستین بار در شصت و یکمین گردهمایی مجمع عمومی سازمان ملل همدیگر را ملاقات می‌نمودند، یک روند گفتگوی سیاسی را آغاز کردند (Hooijmaaijers & Keukeleire, 2016: 391). از میانه سال ۲۰۰۸ به بعد، همکاری‌های این کشورها در قالب بریک قدرتمندتر شد و ملاقاتی در سطح وزیران، از جمله؛ وزیران امور خارجه، مالی، کشاورزی و بهداشت، برگزار گردید.

سرانجام، رهبران بریک نیز انجام ملاقاتی با برنامه‌ریزی منظم را آغاز کردند و اولین گردهمایی بریک در یکتاترینبرگ<sup>۱</sup> روسیه در سال ۲۰۰۹ برگزار شد و پس از آن در سال ۲۰۱۰ رخ داد که به آفریقای جنوبی اجازه ورود به این گروه انحصاری قدرت‌های نوظهور داده شد. در دهمین گردهمایی ژوهانسبورگ<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۸، رهبران بریکس، اعلامیه

---

1. Yekaterinburg  
2. Johannesburg

چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۲۵

ژوهانسبورگ را تصویب نمودند که در آن، همه طرف‌ها بر تعهدات خود در جهت تحکیم همکاری‌های خود بر سه پایه اقتصاد، صلح و امنیت و تبادلات میان مردم خود، تأکید نمودند (Xinhuanet, 2018). از این رو، اعضا بریکس یکدیگر را متعهد به مقابله با جهانی که به‌طور چندجانبه تحت تسلط «ناعدلانه» غرب قرار دارد و این کشورها را به‌طور کلی تحت فشار قرار داده است، احساس می‌کنند. به‌غیر از ویژگی «حداقل اما نامعلوم» این اعضا برای آنکه کشورهای بزرگی باشند و رشد اقتصادی نسبتاً قوی داشته باشند، بزرگ‌ترین نیاز مشترک آن‌ها، تمایل مشخص دولت‌های آن‌ها برای به‌دست آوردن موقعیت سیاسی بالاتری نسبت به موقعیت کنونی آن‌هاست (Røren & Beaumont, 2019: 429).

نگرانی‌های این کشورها درباره نظام مالی جهانی، در راستای افزایش قدرت جهانی چین و عدم رضایت کشورهای بریکس از تقسیم قدرت و حق رأی در نهادهایی همچون قدرت جهانی و صندوق بین‌المللی پول، ارزیابی شده است. طبق اهداف اعلام‌شده، این گروه در تلاش است که در دهه‌ی آینده در این عرصه‌ها تلاش‌های چندجانبه‌ای را صورت دهد؛ ۱. اصلاح ساختار مالی و اقتصاد جهانی که توجهی به افزایش وزن اقتصادی بریکس و سایر اقتصادهای در حال ظهور ندارد. ۲. تقویت استانداردها و اصول و قوانین و قواعد بین‌المللی در راستای جلوگیری و ممانعت از نقض حاکمیت دیگر کشورها و بی‌اثر کردن سیاست مبتنی بر قدرت. ۳. تعامل، همکاری و مشارکت در سطح گسترده با مسائل، معضلات و موضوعات مربوط به مدرنیته کردن اجتماعی و اقتصادی. ۴. حمایت کامل از تمامی بخش‌های اقتصادی اعضای بریکس.

بر مبنای جدول (۲) تولید ناخالص داخلی اقتصاد کشورهای گروه بریکس برای دهه‌های (۲۰۳۰-۲۰۵۰) به‌دست می‌دهد، می‌توان گفت که چین، برزیل، هند، روسیه بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا برحسب شاخص تولید ناخالص داخلی خواهند بود. همان‌طور که اتحادیه اروپا به‌عنوان یک مجموعه در نظر گرفته می‌شود، در این صورت، پس از چین اقتصاد بزرگ دنیا خواهد بود. طبیعی است که با توجه به جمعیت چین و هند، رتبه‌های این اقتصادها بر مبنای معیار تولید ناخالص داخلی سرانه ترتیب دیگری می‌یابد و آمریکا و کشورهای اروپایی در رده‌های بالاتر قرار می‌گیرند. با وجود این، در صورت استمرار عملکرد رشد اقتصادی طی سال‌های گذشته که توانایی این اقتصادها در هم‌پایی فناورانه آن

را تقویت می‌کند، انتظار می‌رود که شکاف درآمد سرانه میان کشورهای مذکور کاهش یابد. در این صورت با افزایش سرانه در کشورهای چین و هند که ۳۰ درصد جمعیت جهان را دارند، این انتظار می‌رود که به تدریج این کشورها به‌عنوان موتور رشد اقتصاد جهانی در کنار یا در تقابل آمریکا و اتحادیه اروپا تبدیل شوند. این افزایش جمعیت برای چین و هند، در کنار افزایش میزان هم‌پایی فناورانه با کشورهای توسعه‌یافته کنونی، به معنای ایجاد فرصت برحسب بازارهای داخلی و منطقه‌ای، به معنای ایجاد چالش است (ترکمانی، ۱۳۹۱: ۲۰۰). بر این اساس، این جدول تأییدی بر افزایش کشورهای نیمه‌پیرامونی است.

جدول ۲. چشم‌انداز تولید ناخالص داخلی برخی از قدرت‌های بزرگ و نوظهور (۲۰۳۰-۲۰۵۰) میلیارد دلار

کشور	میانگین رشد در دوره (۲۰۰۷-۲۰۰۹)	میانگین رشد در دوره (۲۰۰۹-۲۰۱۷)	پیش‌بینی رشد سالانه برای (۲۰۰۹-۲۰۵۰)	تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹	پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۳۰	پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۵۰
آرژانتین	۲/۵	۲	۴/۱	۲۲۳	۵۲۷	۱۳۶۷
استرالیا	۳/۶	۵/۱	۲/۹	۸۱۷	۱۵۰۱	۲۲۵۷
برزیل	۲/۸	۲/۲	۴/۱	۱۰۱۱	۲۴۴۰	۶۰۲۰
کانادا	۳/۳	-۱	۲/۶	۱۱۷۱	۲۰۸۳	۳۱۵۴
چین	۹/۶	۸/۸	۵/۶	۳۳۳۵	۲۱۴۷۹	۴۶۲۶۵
فرانسه	۲/۴	-۱	۲/۱	۲۲۰۳	۳۳۲۳	۴۵۲۸
آلمان	۱/۶	-۲/۱	۱/۴	۲۸۳۳	۳۵۹۳	۴۵۳۵
هند	۷	۶/۳	۵/۹	۱۰۶۵	۵۳۲۸	۱۵۳۸۴
اندونزی	۲/۷	۵	۴/۸	۳۵۴	۲۱۹۷	۲۹۷۵
ایتالیا	۱/۵	-۳/۱	۱/۳	۱۷۳۲	۲۰۷۳	۲۵۸۰
ژاپن	۱/۱	-۳/۱	۱/۱	۴۴۶۷	۵۷۸۶	۶۲۱۶
کره جنوبی	۴/۱	۰/۶	۲/۵	۹۴۵	۲۱۲۲	۲۸۱۲
مکزیک	۳/۳	-۳/۱	۴/۳	۸۶۶	۲۳۹۷	۵۷۰۹
روسیه	۵/۷	۱/۲	۳/۳	۸۶۹	۲۴۸۷	۴۲۹۷
عربستان سعودی	۳/۲	۱/۷	۴/۸	۳۴۸	۸۹۶	۲۴۱۹
آفریقای جنوبی	۳/۷	-۰/۴	۴/۳	۲۷۱	۷۹۱	۱۹۱۹
ترکیه	۴	-۱/۹	۴/۴	۵۰۹	۱۴۳۷	۳۵۳۶
انگلستان	۲/۹	-۲/۹	۲/۱	۲۳۲۰	۳۵۹۷	۴۹۹۷
آمریکا	۳	-۱/۲	۲/۷	۱۲۹۴۹	۲۲۲۵۸	۳۸۶۴۶

#### ۴-۲. بریکس پلاس<sup>۱</sup>

حضور چین در بریکس می‌تواند به این کشور کمک کند تا ضمن به اشتراک گذاشتن اهداف و منافع به صورتی قدرتمند و استوارتر از گذشته، بر لزوم تغییر و اصلاح نظم جهانی و همچنین حضور قدرت‌های دیگر در آن تأکید نماید. افزون بر این، با توجه به رشد مداوم، مستمر و رو به بالای اقتصادی این کشور و نیاز به منابع و مواد طبیعی از یک سو و بازار فروش از سوی دیگر، وجود چنین چارچوبی برای چین یک الزام تلقی می‌شود. در حقیقت، گسترش همکاری چین با بریکس، افزون بر تضمین منافع این کشور، نظام جهانی را به صورت روشن‌تر در جهت کمک به کشورهای جنوب، به سمت نظامی دموکرات‌تر و نماینده‌تر از نیازهای جنوب منعکس می‌کند که این امر نیز در راستای سیاست خارجی چین است. در این راستا، چین با حضور فعال در نشست‌های بریکس، درصدد تحقق منافع خود در عرصه بین‌المللی برآمده است. از این رو، چین اهداف خود را در اجلاس بریکس مورد تأکید قرار می‌دهد. چین در اجلاس سوم سانیا<sup>۲</sup> به سه موضوع در اقتصاد جهانی تأکید داشته است؛ ۱- کمک به انرژی پاک در جهان، ۲- افزایش مشارکت با کشورهای غیر بریکس، ۳- حرکت به سمت یک جهان عادلانه‌تر و فعال‌تر. چین همچنین در نشست چهارم بریکس در دهلی‌نو، بر ثبات جهانی، حفظ امنیت در خاورمیانه، ترویج همکاری و همبستگی در عرصه اقتصادی، پیگیری اهداف توسعه، ترویج روابط شمال-جنوب و تسریع توسعه در جهان سوم که لازمه ایجاد یک حکومت جهانی متعادل است، تصریح نمود (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۴: ۵۲).

برای تحقق چنین امری، وزیر امور خارجه چین، وانگ یی<sup>۳</sup>، «بریکس پلاس» را روایت هم‌گرایی بریکس با ابتکار یک کمربندی- یک جاده، در مارس ۲۰۱۷ که چین ریاست دوره‌ای بریکس را بر عهده داشت، معرفی نمود که شامل گفتگو با بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه<sup>۴</sup> است. بریکس پلاس، پلتفرم قابل‌انعطاف و گسترده‌تری برای سایر اعضا EMDCs فراهم می‌کند تا با بریکس مشاوره، همکاری و شراکت نمایند؛ در عین

---

1. BRICS Plus  
2. Sanya Third Summit  
3. Wang Yi  
4. EMDCs

حال، این همکاری عملکرد بریکس در سطح جهانی را به واسطه ارتباط سازمانی با دیگر اعضا EMDCs و ترویج همکاری جنوب- جنوب، قدرتمندتر می‌سازد (Zhao, 2019: 322). در واقع، اولین چیزی که در مورد بریکس پلاس درک می‌شود، این است که هر یک از اعضا در یک توافق‌نامه منطقه‌ای ادغام می‌شوند که اقتصاد پیشرو در قاره یا در منطقه خود می‌باشند؛ روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیا<sup>۱</sup>، برزیل در مرکوسور<sup>۲</sup>، آفریقای جنوبی در انجمن توسعه آفریقای جنوبی<sup>۳</sup>، هند در انجمن همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا<sup>۴</sup> و چین در سازمان همکاری شانگهای<sup>۵</sup>، در منطقه تجارت آزاد چین- آسه‌آن و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای<sup>۶</sup>. از این رو، همه کشورهایی که در این توافق‌نامه‌های منطقه‌ای شریک ادغام هستند را «بریکس پلاس» می‌نامند که به صورت دوجانبه یا منطقه‌ای برای همکاری‌های انعطاف‌پذیر و چندگانه (نه منحصرأ با آزادسازی تجارت) ایجاد می‌شود (Arapova, 2019: 33).

ابتکار جدید طرح بریکس پلاس نه فقط در زمان مناسب که بریکس به دنبال یافتن دروازه‌های جدیدی برای توسعه است، بلکه شاید یکی از اولین اقدامات واقعاً جهانی در جهان در حال توسعه، در شکل‌گیری یک نظم اقتصادی جدید و متعادل‌تر باشد. این به نوبه خود به دلیل ماهیت منحصربه‌فرد گروه بریکس که تقریباً در هر قاره کشورهای در حال توسعه به وسیله یک یا چند قدرت بزرگ رهبری می‌شوند، امکان‌پذیر است. این به معنی گشودن دروازه به روی دیگر کشورها و مناطقی است که مایل به اتصال به ائتلاف، ترویج تبادل تجربیات خوب و یکپارچه‌سازی اقتصادی برای حمایت از منافع کشورهای در حال توسعه است.

در واقع، این طرح فراتر از مرزهای چارچوب بریکس فعلی می‌رود و یک پلتفرم جدید برای همکاری میان کشورها در قاره‌های مختلف ایجاد می‌کند که می‌توانند استفاده از ارزهای ملی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تجارت چندجانبه را گسترش دهد و در نتیجه، وابستگی به دلار آمریکا را کاهش دهند (Abu Bakr, 2018). از این رو، در این طرح نکات

---

1. EEU  
2. Mercosur  
3. SADC  
4. SAARC  
5. SCO  
6. RCEP

برجسته‌ای قابل توجه است که عبارت‌اند از:

۱. تعهدات بین‌المللی برای حمایت چندجانبه‌گرایی و تلاش برای اجرای اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۳۰.

۲. متعهد به تعهدات خود، برای تقویت نهادهای چندجانبه؛

۳. مرکزیت یک سیستم تجارت چندجانبه، شفاف، بدون تبعیض، باز و فراگیر را برای مثال در سازمان تجارت جهانی تعریف می‌کند؛

۴. تلاش برای آزاد کردن پتانسیل عظیم همکاری‌های اقتصادی، با افزایش تجارت، سرمایه‌گذاری اقتصادی، مالی و ارتباطی در سراسر قاره؛

۵. استفاده از ارزهای ملی / سیستم‌های پرداخت؛ گستره بریکس پلاس می‌تواند به‌عنوان بستری گسترده برای ایجاد سیستم‌های پرداخت بریکس کشورها و گسترش استفاده از آن‌ها باشد. همچنین می‌تواند به‌عنوان بستری برای گسترش استفاده از ارزهای ملی در تجارت و معاملات متقابل سرمایه‌گذاری و در نتیجه، کاهش وابستگی به دلار آمریکا و یورو باشد.

۶. همکاری در ایجاد ارزهای ذخیره خود / مراکز مالی منطقه‌ای و جهانی؛ کشورهایی که جزئی از بلوک‌های منطقه‌ای بریکس پلاس هستند، می‌توانند با تلاش برای کمک به یکدیگر در ایجاد مراکز مالی بین‌المللی (اگرچه ممکن است رقابت نیز وجود داشته باشد، به‌ویژه در یک زمینه منطقه‌ای) از راه لیست شرکت‌ها در مبادلات کشورهای بریکس پلاس، مرادوات داشته باشند. همچنین ممکن است همکاری بیشتری در پیشبرد برخی از ارزهای بریکس پلاس به‌عنوان ارزهای ذخیره‌ای که به بخشی از ذخایر طلا و ارز بانک‌های مرکزی مربوطه تبدیل می‌شوند، باشد.

۷. حفاظت از رژیم تجاری چندجانبه بر مبنای قانون، آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری و تسهیل تجارت؛ در واقع مشارکت در بریکس پلاس تحول جدیدی را بین قدرت‌های نوظهور تقویت می‌کند تا هماهنگی در سیاست‌های کلان اقتصادی تسهیل شود ( Yan, 2018).

۸. تقویت تعامل بین یک گروه از کشورهای در حال توسعه، برای ثبات بیشتر و افزایش نقش در اقتصاد جهانی، توسعه یک مشارکت جامع که شامل یک دستور کار وسیع‌تر است و فراتر از بحث تجارت و همکاری‌های مالی و فرصت ایجاد یک قالب کاملاً جدید از



تعامل را فراهم می‌کند که از مدل‌های کلاسیک یکپارچگی اقتصادی و همکاری متفاوت است. از این‌رو، وف اظهار داشت که حوزه‌های هسته‌ای همکاری ائتلاف بریکس پلاس می‌تواند شامل تجارت و سرمایه‌گذاری باشد که یک ائتلاف رأی‌گیری اصلی در سازمان‌هایی مانند سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول را ایجاد کند (Donnelly, 2018).

در این طرح، کشورهای پاکستان، بنگلادش، ایران، نیجریه، کره جنوبی، مکزیک، ترکیه، اندونزی، فیلیپین و ویتنام به‌منظور الحاق در گروه بریکس در نظر گرفته شده‌اند که بیشتر این کشورها از قاره آسیا هستند. کشورهای آسیایی که برای عضویت در گروه بریکس در نظر گرفته شده‌اند نیز مانند کشورهای عضو این گروه، جمعیت زیادی دارند. در صورت عضویت این کشورها، گروه بریکس از نظر جمعیتی، بخش قابل توجهی از جمعیت جهان را زیر پوشش خواهد گرفت. افزون بر این، کشورهای در نظر گرفته شده در تلاش هستند تا با دیگر کشورهای در حال توسعه و مستقل، روابط تجاری خود را گسترش دهند. عضویت این کشورها که اغلب از بین کشورهای آسیایی هستند، می‌تواند تسلط این گروه را بر حوزه کشورهای آسیایی افزایش دهد و از این طریق نفوذ آمریکا را با چالشی جدی روبه‌رو نماید.

کشورهای جدیدی که به‌منظور عضویت در بریکس در نظر گرفته شده‌اند، همه حضور پررنگی در پروژه جاده ابریشم جدید چین دارند. هدف پروژه جاده ابریشم جدید چین، توسعه زیرساختی کشورهای آسیایی، آفریقایی و اروپایی و تقویت روابط تجاری آن‌ها با کشور چین است و بخش قابل توجهی از پروژه‌های آن، در کشورهای آسیایی در نظر گرفته شده است. توسعه زیرساخت‌ها، الگوی جدید توسعه از سوی کشور چین است که می‌تواند نقشی اساسی در افزایش روابط تجاری و اقتصادی کشورهای گروه بریکس داشته باشد.

افزون بر این، توسعه زیرساختی کشورهای عضو گروه بریکس تا حدودی مشکلات ناشی از دوری جغرافیایی این کشورها را مرتفع خواهد کرد (Arapova, 2019: 33). از این‌رو، چین به «بریکس پلاس» هم به‌عنوان مکانیسمی برای مذاکره می‌نگرد. چین در نگاهی آینده‌نگر، مایل است که از این مکانیسم استفاده نماید تا قدرت نرم خود را به اجرا درآورد؛ زیرا این کشور می‌خواهد که قدرتش برای دولت‌های کوچک‌تر قابل پذیرش و

بادوام باشد.

از این رو، حضور ۲۲ کشور در حال توسعه، از جمله ۱۹ نفر از سران آفریقا، در اجلاس بریکس در ژوهانسبورگ، به وضوح نشان داد (Yan, 2018) که حضور کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور به همراه بسیاری از اقتصادهای توسعه یافته، مصداق بارزی از رویکرد چین در طرح بریکس پلاس است؛ بنابراین، بیش از گسترش مجموعه اصلی اعضای بریکس، طرح بریکس پلاس به دنبال ایجاد بستر جدیدی برای ایجاد اتحاد منطقه‌ای و دوجانبه در سراسر قاره‌ها است و هدف آن جمع کردن بلوک‌های ادغام منطقه‌ای است که در آن‌ها اقتصاد کشورهای بریکس نقش اصلی را دارند.

#### ۴-۳. بانک توسعه جدید بریکس<sup>۱</sup>

اجلاس ۲۷ مارس ۲۰۱۳ در دوربان آفریقای جنوبی را شاید بتوان اعلام رسمی عزم کشورهای غیر غربی برای ترسیم چشم‌اندازهای توسعه از آینده دانست. گروه بریکس تأسیس این بانک را «با هدف سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی» با حق رأی برابر (بدون حق وتو) به عنوان گزینه‌ای در برابر نهادهای غربی همچون بانک جهانی، معرفی کردند. مقر این بانک توسعه جدید با سرمایه اولیه ۵۰ میلیارد دلار در شهر شانگهای چین و اولین مدیر آن از هند خواهد بود (جعفری و فلاح، ۱۳۹۷: ۷). خاستگاه استراتژی تأسیس بانک توسعه جدید، تغییر در جهت پلی‌سنتریک و از بین بردن هژمونی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است که آمریکا آن‌ها را کنترل می‌کند.

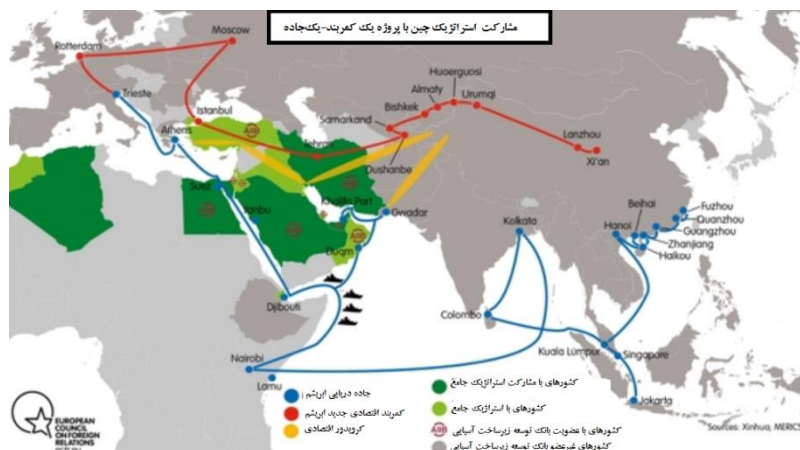
ایجاد گزینه دیگر برای رشد، تأمین سرمایه پروژه‌های مختلف و اجرای ایده جهان چندقطبی است آن‌ها به همراه یکدیگر می‌توانند در بانک بریکس ایجاد کنند. به ویژه که بانک برای اعضای جدید باز است. موجودیت آن به خودی خود، ضامن تنوع مراکز قدرت و دوری از هژمونی غرب در سیستم مالی جهانی است؛ بنابراین، می‌توان اظهار داشت که؛ چین از راه این بانک به کشورهای در حال رشد کمک می‌کند و در آن کشورها سرمایه‌گذاری خواهد کرد و از پروژه‌های زیرساخت آن‌ها نیز حمایت خواهد کرد.

این امر باعث تحکیم پایه و اساس همکاری اقتصادی خواهد شد. به بیان دیگر، بانک جدید توسعه فقط مکانیسم همکاری در داخل بریکس نخواهد بود؛ بلکه مکانیسم مشترک

همکاری بریکس با باقی کشورهای در حال رشد است. همچنین می‌توان فرض کرد که با توسعه گروه بریکس که معرف منافع کشورهای در حال رشد است و کشورهای دارای بازارهای در حال رشد، حق رأی تمام این کشورها در جامعه جهانی قوی‌تر خواهد شد. از این رو، می‌توان گفت بانک توسعه جدید، فروم سیاسی منطقه‌ای چین است که از راه FOCAC و Macau ارائه گردیده‌اند که لایه‌های زیربنایی برای ایجاد یک نظم بین‌المللی موازی با نظم موجود باشند؛ نظمی که در آن منافع چینی‌ها هدایت‌کننده باشد و در ساختار بندی الگوهای جدید و نهادسازی‌ها، در تقابل با نهادهای بین‌المللی غربی قرار گیرد.

### ۵. چین، بریکس و تغییر قدرت در نظم اقتصادی بین‌المللی

ظهور چین شاید مهم‌ترین پدیده اقتصادی و سیاسی در قرن بیست و یکم باشد. این امر برای امنیت جهانی، توسعه بین‌المللی و حاکمیت جهانی پیامدهایی دارد. اگرچه وضعیت چین در تجارت بین‌المللی قابل توجه است، اما در سایر فعالیت‌ها به‌عنوان قدرت بین‌المللی نیز در حال رشد است. نفوذ فزاینده چین در تولیدات بین‌المللی و بازارهای مالی، از نظر رهبری جهانی در تولید کلی، در مجمع تولید صنایع الکترونیک و نساجی و رشد اقتصادی رو به رشد خود با داشتن چهار بانک بزرگ جهان، مشهود است. چین همچنین از راه توسعه مؤسسات جدید، مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا، مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای و ابتکار عمل یک کمربند-یک راه، در حال حرکت برای رهبریت جهانی است. دامنه کمربند و جاده در شکل زیر نشان داده شده است:



شکل ۱. ترسیم مسیر طرح یک کمربند-یک راه (Lons, 2019)

چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۳۳

جدول ۳. مقایسه تولید ناخالص داخلی چین و آمریکا (میلیارد دلار)

کشور / حجم	تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۹	مشارکت عمومی - خصوصی ۲۰۱۹	صادرات ۲۰۱۹	هزینه تحقیق و توسعه ۲۰۱۹	تولید ۲۰۱۸	بازار سهام ۲۰۱۹
آمریکا	۲۱/۴۳۰	۲۰/۵۰۰	۱۶۴۵	۵۸۰	۲۳۳۵	۲۲/۹۰۰ (بورس نیویورک)
چین	۱۴/۱۴۰	۲۷/۱۳۰	۲۴۹۹	۲۹۳	۴۰۰۳	۵۰۳۶ (شانگهای)

(US Department of Commerce, Bureau of Economic Analysis, 2020)

چین به دلیل اهمیت اقتصادی - سیاسی خود، وزنه بسیار مهم تری در مقایسه با سایر شرکای خود در بریکس محسوب می شود. بنا به گزارش صندوق بین المللی پول، به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل شده است. این کشور، بزرگترین ملت بازرگان را دارد و نقش مهمی را در سرمایه گذاری مستقیم خارجی، کمک های توسعه ای و مالی اجرا می کند؛ از این رو، پکن ابزار لازم برای شکل دادن به حاکمیت اقتصاد جهانی را داراست.

درواقع، چین زمینه های مشترک طبیعی با اقتصادهای نوظهور را به ویژه در پیگیری نظم جدید اقتصادی و دموکراتیک کردن روابط بین الملل می بیند. در نظر پکن، بحران مالی ۲۰۰۸ با محرک اقتصادی ۴ تریلیون یوانی را به ارزش ۵۸۶ میلیارد دلاری به طور چشم گیری نقشه اقتصاد جهانی را تغییر داد و به شدت به قدرت کشورهای توسعه یافته سستی خسارت زد. از سوی دیگر، بهبود اقتصادی ایالات متحده و ژاپن کند بوده و بحران منطقه یورو سالهاست که ادامه داشته است و در مقابل سبب حرکت چشم گیر رشد اقتصادهای نوظهور، به خصوص کشورهای بریکس شده است. از این رو، علاقه چین به بریکس به عنوان یک پلتفرم به او امکان می دهد تا خود را اصلاح کند و اختلافات نیز به روشی مسالمت آمیز و با گفتگوی دوجانبه در حاشیه سالانه اجلاس بریکس حل و فصل شود.

درواقع، اهداف استراتژیک چین در حوزه روابط بین الملل، دلیل علاقه به گروه بریکس است. اول، تأکید بر سازوکار بریکس برای چین بسیار مهم است؛ تا خود را به عنوان رهبر کشورهای در حال توسعه نشان دهد. در این رابطه، ذکر این نکته ضروری است که چین همیشه سیاست خود را حفظ کرده که هنوز یک کشور در حال توسعه است. این سیاست چین یکی از پایه های اصلی دیپلماسی این کشور است؛ یعنی مدیریت روابط با کشورهای در حال توسعه. دوم، چین همچنین در همکاری خود با این کشورها (به ویژه در همکاری جنوب - جنوب و گفتگوهای شمال - جنوب) در مورد مسائلی مانند تغییر آب و هوا،

اصلاحات سازمان ملل و نحوه دستیابی به اهداف توسعه هزاره، رژیم‌های تجاری تبعیض‌آمیز و شیوه‌های حمایتی در تقابل با غرب، یک سنت دیرینه دارد. سوم، چین این همکاری موجود را یک گام جلوتر در زمینه بحران مالی در نظر می‌گیرد؛ برای نمونه، دعوت آفریقای جنوبی برای پیوستن به بریکس و دعوت برای طیف گسترده‌ای از کشورهای آفریقایی که بخشی از نشست بریکس در سال ۲۰۱۹ بودند، نشان از گسترش و تعمیق همکاری با کشورهای در حال توسعه است (Grosse & Gamsö, 2021: 5).

از این‌رو، چین تمایل خود را برای حمایت از کشورهای در حال توسعه در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از راه منطقه یک کمربند-یک راه، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، بانک توسعه جدید و توافق ذخیره احتمالی، نشان داده است. به‌طور خلاصه، مشارکت فعال در مکانیسم بریکس، بخشی از رویه دیپلماسی جدید چین برای فرآیند دلارزدایی و ایجاد سیستم‌های هم‌سو با نظم مالی بین‌المللی در قرن بیست و یکم است که نتیجه «آگاهی مسئولیت بین‌المللی» و نیز بازتابی از واقعیت قدرت اقتصادی چین است که برگرفته از گسترش قدرت چین به‌عنوان قدرت جهانی، یک نظم جدید جهانی را نشان می‌دهد که در آن تقسیم قدرت تقریباً برابری بین ایالات متحده و چین وجود دارد.

«بریکس تصمیم گرفته است به‌طور عمده بر توانمندی‌های اقتصادی و مالی در زمینه کشورداری مالی دسته‌جمعی اتکا کند تا قدرت نظامی.» (Roberts et al., 2018: 24). مسائل اقتصادی نیروی روبه مرکز نیرومندی است که کشورهای عضو را از منظر اهدافشان متعهد می‌کند. همان‌گونه که روبرتس و همکاران تأکید کرده است: «کشورهای بریکس برای پیشبرد اصلاحات نهادهای برتون و وودز تقویت بین‌الملل شدن واحد پول چین یعنی یوان یا رنمینبی و ایجاد نهادهای مالی بین‌المللی موازی، با یکدیگر همکاری کرده‌اند» (Roberts et al., 2018: 4).

همان‌گونه که کاتادا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷: ۴) خاطر نشان کرده‌اند ممکن است «جالب توجه‌ترین ویژگی همکاری اعضای بریکس، توانایی‌شان در کنار هم آمدن برای تمرین «کشورداری مالی» باشد؛ که به معنای «بهره‌گیری از سیاست‌های مالی و پولی به‌وسیله

چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۳۵

دولت‌های دارای حاکمیت برای دستیابی به اهداف بزرگ‌تر سیاست خارجی» در نظر گرفته شده است. (Ramos et al, 2018: 1-15). در واقع می‌توان گفت کشورداری مالی، محور نهادینه شدن بریکس بوده است و اجلاس‌های سالانه آن در مسیر این تکامل نهادی حرکت کرده است. بررسی دقیق اعلامیه‌های سالانه بریکس نشان‌دهنده چهار درخواست است که اعضای بریکس پی‌درپی مطرح کرده‌اند: ۱. اصلاح سهمیه‌ها و رأی‌ها و در صندوق بین‌المللی پول؛ ۲. اصلاح شورای امنیت سازمان ملل؛ ۳. ایجاد یک بانک نیرومند یعنی بانک توسعه جدید<sup>۱</sup> و ۴. تقویت موضع سیاسی مشترک بریکس در اجلاس گروه ۲۰ و از جمله اتخاذ مواضع سیاسی مشترک درباره مسائل امنیتی. به نظر می‌رسد بریکس به‌جز بند دو، درباره دیگر بندها که در واقع بازتاب‌دهنده اولویت‌های پکن است، اقدام‌های عملی و مؤثری را به انجام رسانده است که در زیر به شماری آن‌ها اشاره می‌شود.

## ۶. هدایت دستور کارهای بریکس در مسیر منافع چین

واقعیت این است که افزایش قدرت اقتصادی و تجاری چین و بروز یک رشته نابسامانی‌ها در عرصه اقتصاد جهانی، سبب شد اقتصادهای در حال ظهور بریکس، در مسیر پیگیری مؤثرتر منافع خود در عرصه بین‌المللی، ائتلاف بریکس را به وجود آورند. باین حال بررسی بیانیه‌ها و مواضع بریکس در جلسات متعدد سالانه آن، برجستگی نگاه و منافع چین را در این ائتلاف نشان می‌دهد. امروز به نظر می‌رسد چین از نظر ایجاد یک ساختار مالی جهانی جایگزین، یک قدرت در حال ظهور تجدیدنظرطلب به حساب می‌آید که هم‌زمان تلاش کرده است از بریکس در همین راستا استفاده کند.

این کشور هم‌زمان از نظر احترام به نظام تجارت آزاد جهانی و مخالفت با افزایش اعضای شورای امنیت سازمان ملل، قدرتی حامی وضع موجود محسوب می‌شود (Hopewell, 2016: 124). از این‌روست که مشاهده می‌شود تصمیم‌های بریکس در زمینه اصلاح ساختار نظام مالی جهانی پیگیری می‌شود اما بیانیه‌ها درباره اصلاح ساختار امنیتی جهانی فرضاً با اضافه شدن کشورهایی همچون هند و برزیل به اعضای دائم شورای امنیت عملاً مسکوت گذاشته می‌شود.

نخستین اجلاس سران این گروه، متأثر از پیامدهای اجلاس سران گروه ۲۰ بود و نشانه

تعهد این گروه به تصمیم‌های قبلی [در گروه ۲۰] و نشان دادن سرشت همکاری این گروه در نشست آتی گروه ۲۰ به شمار می‌رفت. افزون بر این، بریک در این اجلاس، بر اهمیت اصلاح نهادهای مالی برای افزایش مشارکت قدرت‌های متوسط در حال ظهور، در نظم بین‌المللی، پافشاری کرد. همچنین پیشرفت‌هایی در همکاری میان اعضای بریک، در حوزه‌های علمی و آموزشی صورت پذیرفت (Stuenkel, 2014: 89). ابتکارها و اقدام‌های بعدی چین در زمینه اصلاح نهادهای مالی بین‌المللی نشان می‌دهد که این مواضع بریکس در نخستین اجلاس آن تا چه اندازه با منافع پکن هم‌راستا بوده است.

دومین اجلاس سران گروه بریک، در برازیلیا در ۲۰۱۰ برگزار شد که به موضوعاتی مختلف به‌ویژه در ارتباط با حکمرانی جهانی و تجارت و مالیه بین‌المللی پرداخت. نکته‌ای که به‌ویژه قابل توجه است، پشتیبانی بریک از اصلاح سازمان ملل و تأکید آن بر ثبات نظام مالی بین‌المللی است. هر دو این موضوعات، به بحران مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی اشاره دارد (BRICS, 2010).

سومین اجلاس سران بریکس، در شهر سانیا در ۲۰۱۱ برگزار شد. دو نکته برجسته مرتبط با این اجلاس عبارت‌اند از: ۱. پیوستن آفریقای جنوبی به این بلوک و ۲. این واقعیت که در این زمان، همه کشورهای شرکت‌کننده در بریکس، در شورای امنیت سازمان ملل عضویت داشتند. این امر سبب شد اجلاس بریکس، از نظر مسائل امنیتی اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. در این باره برای مثال، باید به رخداد‌های پس از بهار عربی اشاره کرد. در این اجلاس برای نخستین بار، در بیانیه نهایی اجلاس سران، آشکارا به اصلاح سازمان ملل اشاره شد (BRICS, 2011: 8). این بیانیه همچنین، بر اهمیت گروه ۲۰ در معماری مالیه بین‌المللی و نیاز به نتیجه رسیدن دور دوحه تأکید شد.

چهارمین اجلاس سران بریکس، در ۲۰۱۲ در دهلی‌نو برگزار شد. برای نخستین بار، امکان ایجاد یک بانک چندجانبه توسعه‌ای به‌وسیله بریکس مورد بحث قرار گرفت. در نهایت، وزیران دارایی هر یک از کشورهای بریکس، متعهد شدند امکان ایجاد چنین بانکی را بررسی کنند. افزون بر این، بیانیه نهایی اجلاس، بر اهمیت همکاری بین‌المللی و نیاز به اصلاح نهادهای مالی بین‌المللی برای تضمین این مسئله که موقعیت نهادی کشورهای بریکس در این نظام مالی به رسمیت شناخته شود، پافشاری کرد (BRICS, )

پنجمین اجلاس سران گروه بریکس در دوربان در ۲۰۱۳ برگزار شد و طی آن نخستین چرخه برگزاری این اجلاس، پایان یافت. بریکس همانند اجلاس‌های قبلی خود، بر تعهدش به چندجانبه‌گرایی، تأکید کرد و خواهان آن شد که حکمرانی جهانی با اصلاح نهادهای مالی به‌طور کلی و نظام سهمیه‌بندی صندوق بین‌المللی پول به‌طور مشخص، دموکراتیک‌تر شود؛ چیزی که در ۲۰۱۰ مورد توافق گرفته بود (BRICS, 2013: 3). افزون بر این، بریکس، دوباره تعهدش را بر به نتیجه رساندن دور دوحه تکرار کرد. همچنین خواهان آن شد که برزیل، هند و آفریقای جنوبی، نقش برجسته‌تری در سازمان ملل پیدا کنند. در پی این اجلاس، یک صندوق ذخیره ۱۰۰ میلیارد دلاری ایجاد شد تا «به کشورهای بریکس کمک کند از فشارهای کوتاه‌مدت نقدینگی<sup>۱</sup> در امان باشند» (BRICS, 2013: 10). این اقدام در پی توافقات قبلی امضا شده در سال ۲۰۱۲ به وسیله کشورهای بریکس صورت پذیرفت که به‌طور عمده شامل این موارد بود:

۱. توافق کلی برای گسترش تسهیلات اعتباری مبتنی بر پول محلی ذیل سازوکار همکاری بین‌بانکی اعضای بریکس و ۲. موافقت با تسهیل در تأیید اعتبارهای اسنادی چندجانبه (BRICS, 2012b: 2). سرانجام اینکه بریکس، ایجاد بانک توسعه جدید را اعلام کرد که هدف آن جستجوی «منابع برای زیرساخت و پروژه‌های توسعه پایدار در کشورهای بریکس و دیگر اقتصادهای در حال ظهور و کشورهای در حال توسعه به‌منظور تکمیل تلاش‌های موجود نهادهای مالی چندجانبه و مشارکت‌های منطقه‌ای برای کمک به رشد اقتصادی و توسعه جهانی بود».

ششمین اجلاس سران بریکس در فورتالزا در ۲۰۲۴، آغاز دومین چرخه اجلاس به حساب می‌آید. موضوع این اجلاس «رشد فراگیر: راه‌حل‌های پایدار» بود. این اجلاس یکی از مهم‌ترین لحظه‌ها برای روند تحکیم نهاد بریکس بوده است. در این اجلاس «توافق ایجاد بانک توسعه جدید<sup>۲</sup> امضا شد که هدف آن، بسیج منابع برای پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار در بریکس و دیگر اقتصادهای در حال ظهور و در حال توسعه است» (BRICS, )

---

1. Liquidity

2. NDB



11: 2014). این بانک با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار و تعهد سرمایه‌ای اولیه ۵۰ میلیارد دلار «که به‌طور مساوی میان اعضای بنیان‌گذار تقسیم شد» شکل گرفت (BRICS, 2014: 12). افزون بر این، اعضای شرکت‌کننده، توافق ذخیره احتیاطی بریکس (با سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلار) را امضا کردند یعنی یادداشت تفاهم برای همکاری فنی میان مؤسسه‌های اعتباری و شماری از تضمین‌کنندگان صادرات. نخستین تدبیر، «اثری مثبت در حوزه دوران‌دیشی و احتیاط» خواهد داشت و به «کشورها کمک خواهد کرد تا اقدام متقابل در برابر فشارهای کوتاه‌مدت نقدینگی» انجام دهند. دومین تدبیر سبب «بهبود فضا برای افزایش فرصت‌های تجاری» در میان کشورهای بریکس خواهد شد (BRICS, 2013: 13-14). انتظارات زیادی در ارتباط با هفتمین اجلاس سران بریکس در یوفا در سال ۲۰۱۵ وجود داشت. در این زمان، پیشرفت‌هایی در زمینه تجارت میان اعضای بریکس و همکاری مالی و سرمایه‌گذاری از راه تعمیق گفتگوها میان «آژانس‌های اعتبار صادراتی بریکس» رخ داده بود. همچنین نقش «ساختار بین‌بانکی بریکس برای تجارت و همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری «افزایش یافت». بررسی درباره امکان «بهره‌گیری گسترده‌تر از ارزش‌های ملی در تجارت دوجانبه» (BRICS, 2015: 12-15)؛ همچنین اثر گسترده‌ای به همراه داشت. در عین حال باید گفت در یک بستر جدی از روابط کشورهای بریکس، اولویت‌های اصلی اعضا بر محور بانک توسعه جدید و توافق ذخیره احتیاطی قرار داشت؛ یعنی اموری که اولویت مقام‌های پکن محسوب می‌شود. اعضای بریکس، درباره جزئیات این ترتیبات نهادی مذاکره کردند و از قبل نشانه‌هایی مبتنی بر چگونگی عملکرد بانک توسعه جدید، مطرح شد. افزون بر این، اجلاس سران، شاهد ارائه پیشنهادی برای همکاری میان بانک توسعه جدید و بانک تازه‌تأسیس سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا<sup>۱</sup> شد. این بانک قرار است نقش مهمی در تأمین مالی پروژه‌های مرتبط با جاده ابریشم ایفا کند (BRICS, 2015: 15). جالب‌توجه است که هم بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و ابر پروژه احیای جاده ابریشم، هر دو ابتکارهای بلندپروازانه چین برای پیوند زدن اقتصاد خود با محیط پیرامونی به‌شمار می‌روند.

همان‌گونه که در مجامع غیررسمی همچون بریکس معمول است، انتظار می‌رود کشور

چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۳۹

میزبان دستور کار اجلاس را ارائه کند. بر این اساس، به واسطه منافع بین‌المللی روسیه پس از بحران کریمه (۲۰۱۴) انتظار می‌رفت نوعی هم‌گرایی میان بریکس، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در این راستا، شکل بگیرد. با این حال چنین چیزی در عمل محقق نشد. با این حال دو موضوع امنیتی در بحث‌ها برجسته شد: ۱- اهمیت احترام به حاکمیت ملی و عدم مداخله در شماری از موارد (به‌ویژه در افغانستان، عراق و سوریه) و ۲- پافشاری بیشتر بر مشکلات امنیتی تأثیرگذار بر قاره آفریقا و لزوم ثبات منطقه (Ramos, et al., 2012b: 10). در این اجلاس با وجود انتقاد از نظم بین‌المللی و اقدامات قدرت‌های موجود، راهبرد عدم مواجهه حفظ شد و ترتیبات چندجانبه موجود نیز مورد تأیید دوباره قرار گرفت. این موضع تا اندازه‌ای در سال بعد در گوا حفظ شد.

یک سال بعد، بیانیه نهایی گوا (۲۰۱۶) تصریح کرد که صلح پایدار، نیازمند ایجاد «یک نظم بین‌المللی برابر و چندجانبه دموکراتیک است». این نظم باید بر مبنای «رویکردی جهانی، هماهنگ و مصمم» مبتنی بر اعتماد دوسویه، برابری و همکاری عمل کند. کشورهای بریکس در این بیانیه، بر «تعهد نیرومند خود به حقوق بین‌الملل و نقش محوری سازمان ملل به‌عنوان یک سازمان چندجانبه فراگیر که مأموریت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد» دوباره تأکید کردند. این بیانیه همچنین ضمن پافشاری به نقش سازمان ملل، خواهان اصلاح شورای امنیت سازمان ملل شد تا نمایندگی و کارایی این نهاد تقویت شود (BRICS, 2016: 6-8).

شایسته است که خاطرنشان شود که این درخواست بارها توسط هند و آفریقای جنوبی در چارچوب بریکس تکرار شده اما چین، موضعی نرم و همراه با ملاحظه‌کاری در این باره اتخاذ کرده است. بر این اساس روشن نیست واقعاً چه درکی داخل بریکس از این اصلاح مطرح است و اساساً از چه اصلاحی دفاع می‌شود. با این همه مشخص است که بریکس هیچ اقدام عملی مشخصی در این باره انجام نداده است.

در حالی که در زمینه اصلاحات مالی و همکاری‌های تجاری و علمی میان اعضا، اقدام‌های عملی مؤثری صورت پذیرفته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که قدرت مؤثر و پیشران در بریکس یعنی چین، با وجود همراهی ظاهری با ایده اصلاح در ساختار شورای امنیت، در عمل هیچ نوع همراهی واقعی با آن ندارد. در عین حال در اجلاس گوا، از

ابتکار روسیه برای ارائه کنوانسیون بین‌المللی برای منع تروریسم شیمیایی و بیولوژیکی بر پایه همکاری دوجانبه و بین‌المللی حمایت شد (BRICS, 2016: 56). این مسئله دل‌مشغولی دیپلماسی روسیه را نسبت به مبارزه با تروریسم، به‌ویژه در زمینه مشکل چین و نیروهای در حال جنگ در سوریه علیه دولت اسد نشان می‌دهد.

نهمین اجلاس سران بریکس زیر عنوان «بریکس: مشارکت قوی‌تر برای آینده‌ای درخشان‌تر» در شیان<sup>۱</sup> چین برگزار شد. در این اجلاس سه سند مهم امضا شد که عبارت‌اند از: ۱- برنامه اقدام برای نوآوری و همکاری (۲۰۱۲-۲۰۱۷)؛ ۲- چارچوب راهبردی برای همکاری گمرکی بریکس و ۳- یادداشت تفاهم میان شورای تجاری بریکس و بانک توسعه جدید درباره همکاری راهبردی. همچنین ابتکارهایی برای توسعه بازارهای قرضه ارز محلی بریکس و ایجاد یک صندوق اوراق قرضه ارزهای محلی بریکس مورد موافقت گرفت (BRICS, 2017: 10). این توافق‌ها «پیشرفت در به نتیجه رساندن یادداشت تفاهم میان بانک‌های ملی توسعه کشورهای بریکس در زمینه خط اعتباری ارزی بین‌بانکی و در زمینه همکاری بین‌بانکی در ارتباط با رتبه‌بندی اعتباری» (را مورد تأکید قرار داده است). (BRICS, 2017: 11).

در این اجلاس، بحث درباره تحولات مرتبط با بانک‌های توسعه جدید مطرح گردید و موافقت شد که مرکز منطقه‌ای آفریقایی بانک توسعه جدید در آفریقای جنوبی، به نخستین دفتر منطقه‌ای بانک توسعه جدید تبدیل شود. افزون بر این، نظام توافقنامه ذخیره احتیاطی برای مبادله اطلاعات در حوزه اقتصاد کلان پایه‌گذاری شد. بازهم مشاهده می‌شود در این اجلاس، چین موفق شده است اولویت‌های مدنظر خود را در چارچوب‌هایی مدون و در قالب قراردادهای توافق‌هایی مشخص، به امضا برساند و پتانسیل گروه بریکس را در این راستا به کار گیرد.

## ۷. ایران در روابط راهبردی با چین

تا زمانی که منافع ایدئولوژیک و استراتژیک ایران با سایر کشورهای منطقه سازگاری داشته باشد، می‌توان الگوهای هماهنگی حداکثری را در روابط ایران مشاهده کرد، روابط ایران با قدرت‌های جهانی را می‌توان غیرقطعی‌تر و دوسوگراتر تعریف کرد. در این راستا می‌توان

چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۴۱

دید که ایران به جای اینکه قاطعانه در کنار یک ابرقدرت قرار بگیرد، از راهبردی پیروی می‌کند که با حفظ روابط متعادل، به دنبال حداکثر کردن سود خود است. در واقع، در زمانی که ایران در سال ۲۰۱۵ توافق هسته‌ای با کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا را امضا می‌کرد، مذاکرات فشرده‌ای با چین نیز داشت (Uzun, 2021: 7). غرب در اصل بسته‌ای را با پیش شرط‌های سیاسی ضمنی و غیرمستقیم برای لغو تحریم‌ها و امضای توافق هسته‌ای به ایران پیشنهاد کرد. به همین ترتیب، امید می‌رفت که ایران در نتیجه ادغام با نظام اقتصادی بین‌المللی و وضعیت موجود انرژی هسته‌ای، دچار تحول تدریجی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی شود؛ اما از منظر ایران لغو تحریم‌ها بیش از آنکه روابطش با غرب را تقویت کند، سرمایه‌گذاری و همکاری تجاری ایران با چین را تقویت کرد.

با کاهش تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵، چین نیروی کار قابل توجهی را به ایران اعزام کرد؛ راه را برای بسیاری از شرکت‌های چینی برای بازدید از ایران در جستجوی فرصت‌های همکاری هموار کرد. اگرچه شکست توافق هسته‌ای در دوران ریاست جمهوری ترامپ، روابط اقتصادی چین با ایران را مختل کرد، اما می‌توان دید که بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری مستقیم یا غیرمستقیم و واردکننده نفت ایران بود. با وجود تحریم‌ها، خرید نفت چین از ایران در مارس ۲۰۲۱ به بالاترین حد خود رسید؛ بنابراین، روابط چین و ایران از نظر قدرت جهانی چین و آمریکا به‌عنوان یک تهدید از سوی آمریکا تلقی می‌شود؛ زیرا امضای توافقنامه چین با ایران در برهه‌ای حیاتی در روابط ایران و آمریکا به‌عنوان چالشی مستقیم با برخی از اصول، قواعد و نهادهای اساسی نظام بین‌الملل تلقی می‌شود.

بر اساس شاخص‌های فعلی و بن‌بست فعلی با ایالات متحده، این روابط راهبردی ممکن است پیامدهای گسترده‌ای در درازمدت برای ایران داشته باشد:

اول اینکه: ایران تضمین فروش نفت و توسعه زیرساخت‌های انرژی را از چین گرفته است. به‌ویژه مقررات جدیدی که پیش‌بینی می‌شود با رعایت مفاد قرارداد به بخش بانکی ایران ارائه شود و همچنین استفاده از پول ملی به جای دلار در فروش نفت تا حدودی موجب تسکین این بخش خواهد شد. به نظر می‌رسد اقتصاد ایران پتانسیل ابتکار اقتصادی برای کاهش انزوا در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی را دارد.

دوم اینکه: مشارکت‌های توسعه زیرساختی که با چین ایجاد می‌شود به برنامه‌های ایران برای تبدیل شدن به یک مرکز ترانزیتی تجاری کمک می‌کند؛ بنابراین ایران به‌عنوان حامی بازیگران محور مقاومت یعنی لبنان، سوریه و عراق که دسترسی چین به آن‌ها محدود است، می‌تواند قدرت اقتصادی و بازسازی پس از جنگ خود را در این منطقه تقویت کند.

سوم اینکه: می‌توان ادعا کرد که قدرتمندترین برگ برنده (تحریم) آمریکا برای بازگشت به توافق هسته‌ای به‌طور جدی توسط این توافق تضعیف شده است. در این زمینه دو سناریو برای آینده توافق هسته‌ای خودنمایی می‌کند. روند توافق هسته‌ای بین دو طرف می‌تواند در سناریوی اول تسریع شود که در آن تنها هدف دولت بایدن بازگرداندن ایران به وضعیت هسته‌ای بین‌المللی است. در سناریوی دوم که توافق جامع پیگیری موشک‌های ایران، فعالیت‌های محور مقاومت در منطقه و روابط با کشورهای منطقه به توافق هسته‌ای اضافه شود، نباید انتظار تحوّل مثبتی در بازگشت به توافق هسته‌ای داشت. دلیل این امر این است که ایران در مورد این موضوعات به آمریکا امتیازی نخواهد داد و درعین حال برگ برنده‌ای در قالب توافق با چین دارد که پتانسیل کاهش تحریم‌ها را دارد (Uzun, 2021: 9-10).

درنهایت، توافق ایران و چین جایگزین مذاکرات ایران با غرب مانند توافق هسته‌ای و سایر توافق‌های مهم مانند اف‌ای‌تی‌اف<sup>۱</sup> نخواهد شد، بلکه به‌عنوان برگ برنده‌ای عمل می‌کند که کفه‌ها را به نفع ایران در این توافق‌ها می‌زند. در واقع، چین با امضای این قرارداد با ایران، حول یک دیدگاه جایگزین در مورد سیستم و مدل نوسازی روابط با ایران است که هدف آن توسعه اقتصادی با ظرفیت دولتی قوی از راه حذف پیش‌شرط‌های سیاسی پنهانی است. به‌طور خلاصه، توافق چین و ایران به‌عنوان نقطه عطفی در مورد انتقال قدرت جهانی مورد انتظار بین چین و ایالات متحده تلقی می‌شود.

## نتیجه‌گیری

روند تحکیم نهادینه شدن گروه بریکس، به‌طور عمده در چارچوب برخورد آن با مسائل مرتبط با اقتصاد سیاسی بین‌الملل و به‌ویژه در ارتباط با موضوع توسعه بین‌المللی در چارچوب «مسیری با کمترین مقاومت» به وقوع پیوسته است. با این حساب می‌توان گفت گروه بریکس در مسیر نگاه و اولویت چین به مسائل بین‌المللی روند نهادینه‌شدن خود را

---

1. FATF

چین، بریکس و تحوّل در نظم نهادی اقتصاد جهانی (سعید میرترابی و مهرداد فلاح) ۴۴۳

طی کرده است. در عین حال اجلاس‌های اخیر بریکس در ارتباط با مسائل امنیتی بین‌المللی را نباید از نظر دور داشت. شاید بتوان ادعا کرد که دیگر عضو قدرتمند بریکس یعنی روسیه، تمایل دارد دستور کارهای امنیتی گروه بریکس را گسترش دهد با این همه پکن ضمن همراهی به‌طور عمده نمادین با این تقاضاها، تلاش کرده است موجودیت بریکس را به‌عنوان یک تشکل مالی، تجاری و توسعه‌ای، تثبیت نماید. چین هم‌زمان تلاش کرده است با طرح ایده بریکس پلاس، همکاری‌های بین‌المللی مطلوب خود را از درون این گروه به شماری دیگر از کشورها و قدرت‌های مؤثر منطقه‌ای، گسترش دهد.

این شیوه برخورد با نظم لیبرالی غرب، یا نسبت به نظم سرمایه‌دارانه جهانی، نشان‌دهنده رفتاری محافظه‌کارانه همراه با تلاش برای اصلاح وضع موجود است که بیشترین نمود و تجلی آن را می‌توان در سیاست خارجی پکن یافت. درخواست پیوسته برای اصلاح نهادهای مالی بین‌المللی به‌ویژه صندوق بین‌المللی پول؛ با تأکید بر نوآوری برای دستیابی به رشد میان‌مدت و درازمدت و توسعه پایدار، تأیید دستور کارهای گروه ۲۰ و پافشاری بر اهمیت این گروه به‌عنوان مجمعی برای همکاری اقتصادی در حوزه‌های کلان و بحث درباره انرژی تجدیدپذیر، امنیت انرژی و تغییر آب‌وهوا همراه با توافقات پاریس درباره تغییر اقلیم و مواضع گروه بریکس در ارتباط با گروه ویژه اقدام مالی و سازمان تجارت جهانی همگی بازتاب‌دهنده نگاه چین به نهادهای بین‌المللی موجود است.

بر این مبنا می‌توان گفت بر مبنای نگاه پکن، دستور کار بریکس بر مواجهه قرار ندارد بلکه تلاشی است برای ادعای «داشتن جایی در میز» در کنار قدرت‌های غربی (گروه هفت) و داشتن صدایی بلندتر و مشارکتی بیشتر در نهادهای موجود. در واقع این درست‌تر است که بریکس را نه یک چالش جمعی در برابر سرمایه‌داری جهانی بلکه گروهی از کشورهای در حال ظهور با محوریت عملی چین تلقی کرد که در تلاش‌اند توازن کنونی قدرت در نظم اقتصادی لیبرال غربی را اصلاح کنند.

این ویژگی اصلاح‌طلبانه بریکس در دو حوزه دیگر نیز نمایان شده است یعنی ایجاد تدریجی نهادهای بین‌المللی موازی و تقویت بین‌المللی شدن رنمینبی یعنی واحد پول چین. با این حساب، اگرچه پکن ادعا می‌کند که توان بالقوه و قدرت بریکس، «دچار تغییر نشده»، امروز اجماعی در حال افزایش در سطح جهان و حتی میان اعضای بریکس وجود دارد که

روابط قدرت در میان بریکس بسیار نامتقارن است. به سخن دیگر، در شرایطی که چین به‌عنوان «موتور واقعی بریکس» دیده می‌شود. برآمدن قدرت و رهبری این کشور در سطح جهان، سبب بروز روابط قدرت نامتقارن مرکز-پیرامون و وابستگی اقتصادی در داخل بریکس شده است.

## منابع

- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۹۵)، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین ۲ جلدی*. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: ابرار معاصر تهران.
- ترکمانی، علی (۱۳۹۱)، «چشم‌انداز نظام اقتصاد بین‌الملل: رویکرد آینده‌پژوهی»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۰ (۶۱)، ۱۹۳-۲۱۵.
- جعفری، علی‌اکبر و فلاح، مهرداد (۱۳۹۷)، «قدرت اقتصادی بریکس و بدیل برای اقتصاد لیبرال غرب»، *فصلنامه سیاست*، ۴۸ (۱)، ۱-۱۸.
- دهشیری، محمدرضا و بهرامی، زهرا (۱۳۹۴)، «نگاه استراتژیک چین به بریکس»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۸۹، ۳۳-۶۳.
- رادگودرزی، معصومه و صفری، عسگر (۱۳۹۸)، «نهادسازی منطقه‌ای چین و آینده نظم بین‌المللی لیبرال: مطالعه موردی آسیای مرکزی»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۸ (۳۰)، ۲۲۷-۲۶۲.
- کریمی، حمیدرضا؛ موسوی شفقانی، مسعود؛ و محسن اسلامی (۱۳۹۸)، «نهادسازی موازی گامی در جهت گذار صلح‌آمیز نظم بین‌الملل (زنجیره ارزش چین محور در برابر نظم آمریکایی)»، *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۳ (۱)، ۳۶۷-۳۹۴.
- میرترابی، سعید و کشوریان آزاد، محسن (۱۳۹۹)، «تأثیر خیزش چین بر نظم مالی بین‌المللی»، *فصلنامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱ (۴)، ۱۴۱-۱۷۰.

## References

- Abu Bakr, H. (2018), *BRICS Plus model can unite developing economies*. available at: <http://en.people.cn/n3/2018/0728/c90000-9485685.html>.
- Arapova, E. (2019), The BRICS Plus” as the First International Platform Connecting Regional Trade Agreements. *Asia-Pacific Social Science Review*, 19 (2), 30-46.
- Bayliss, J. & Smith, S. (2015), *The Globalization of Politics: International Relations in the New Era*, 2 volumes. Translated by Abolghasem Rah Chamani and others. Tehran: Tehran Moaser Abrar (In Persian).
- Beeson, M. & Zeng, J. (2018), The BRICS and global governance: China’s contradictory role. *Third World Quarterly*, pp 39, 1962-1978. doi:10.1080/01436597.2018. 1438186.
- BRICS. (2010), Second Summit: Joint Statement. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/category-english/21-documents/66-second-summit>.
- BRICS. (2011), Third Summit: Sanya Declaration and Action Plan. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/category-english/21-documents/67-third-summit>.
- BRICS. (2012 a), Fourth Summit: Delhi Declaration and Action Plan. 1-3. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/category-english/21-documents/68-fourth-summit>.

- BRICS. (2012 b), Agreements between Brics Development Banks, Nova Delhi. 1-10. Available at [www.brics.utoronto.ca/docs/120329-devbank-agreement.pdf](http://www.brics.utoronto.ca/docs/120329-devbank-agreement.pdf).
- BRICS. (2013), Fifth Summit: Ethekwini Declaration and Action Plan. 1-18. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/category-english/21-documents/69-fi-fth-summit>.
- BRICS. (2014), Sixth Summit: Fortaleza Declaration and Action Plan. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/category-english/21-documents/223-sixth-summit-declarationand-action-plan>.
- BRICS. (2015), VII Brics Summit: Ufa Declaration. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/category-english/21-documents/253-vii-brics-summit-ufa-declaration>.
- BRICS. (2016), 8th Brics Summit Goa Declaration. 1-10. Available at <http://brics.itamaraty.gov.br/images/pdf/GoaDeclarationandActionPlan.pdf>.
- BRICS. (2017), Brics Leaders Xiamen Declaration. Available at [www.brics.utoronto.ca/docs/170904-xiamen.pdf](http://www.brics.utoronto.ca/docs/170904-xiamen.pdf).
- Cheng, Z. (2019), *Building the belt and road initiative?*. Practices en route. The Pacific Review, 1, pp 9. Online first. doi:10.1080/09512748.2019.1589560.
- Deshiri, M. & Bahrami, Z. (2014), China's strategic view of BRICS. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 89, 33-63, spring (In Persian).
- Donnelly, E. (2018), *China's Brics-Plus partnership could transform global trade*, at: <https://www.independent.ie/business/world/chinas-brics-plus-partnership-could-transform-global-trade-36626312.html>.
- Grosse, R. & Gamso, J. (2021), China's Rise, World Order, and the Implications for International Business. *Management International Review*, 1-25. <https://doi.org/10.1007/s11575-020-00433-8>.
- Gundumella, V. (2018), China and the BRICS. *Indian Institute of Management*, pp 9. Available at: <https://ssrn.com/abstract=3151252> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3151252>.
- Hooijmaaijers, B. & Keukeleire, S. (2016), Voting cohesion of the BRICS countries in the UN General Assembly 2006-2014: A BRICS too far? *Global Governance. A Review of Multilateralism and International Organizations*, 22, 389-407. doi:10.1163/19426720-02203006.
- Hooijmaaijers, B. (2015), The Asian Infrastructure Investment Bank: Another wake up call for the EU?. *Global Affairs*, 1, 325-334. doi:10.1080/23340460.2015.1080895.
- Hooijmaaijers, B. (2019), China, the BRICS, and the limitations of reshaping global economic governance. *The pacific review journal*, at: <https://www.tandfonline.com/loi/rpre20>.
- Hopewell, K. (2016), *Breaking the WTO: How Emerging Powers Disrupted the Neoliberal Project*. Stanford: Stanford University Press.
- Ikenberry, J. (2014), The Future of the Liberal World Order. *Foreign Affairs*, May/June 2014.
- Ikenberry, J. (2019), Reflections on After Victory. *the British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 21 (1), 5-19.
- Jafari, A. A. & Fallah, M. (2017), The economic power of BRICS and an alternative to the liberal economy of the West. *Politics Quarterly*, 48 (1), 1-18, spring (In Persian).
- Karimi, H., Mousavi Shafai, M. & Eslami, M. (2018), Parallel institutionalization is a step towards the peaceful transition of the international order (China-centered value chain against the American order). *Two quarterly studies of international political economy*, 3 (1), 394-367 (In Persian).
- Lons, C. et al. (2019), "CHINA'S GREAT GAME IN THE MIDDLE EAST," *European Council on Foreign Relations*. Available at: [https://ecfr.eu/wp-content/uploads/china\\_great\\_game\\_middle\\_east](https://ecfr.eu/wp-content/uploads/china_great_game_middle_east). (Accessed 21 September 2021).
- Mearsheimer, J. J. (2019), "Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order", *International Security*, 43 (4).
- Mirtrabi, S. & Kishorian Azad, M. (2019), The impact of the rise of China on the international financial order. *Political and International Approach Quarterly*, 11 (4), 141-170 (In Persian).
- O'Neill, J. (2001), *Building better global economic BRICs*. Global Economics Paper, 66, 1-16.
- Rachman, G. (2011), *THINK AGAIN: AMERICAN DECLINE*. PP. 43. Available at: <https://foreignpolicy.com/2011/01/03/think-again-american-decline/>



- Radgodarzi, M. & Safari, A. (2018), China's regional institutionalization and the future of liberal international order: A case study of Central Asia. *Strategic Policy Research Quarterly*, 8 (30), 262-227 (In Persian).
- Ramos, L., Garcia, A., Pautasso, D. & Rodrigues, F. (2012), A Governança Econômica Global e os Desafios do G-20 Pós-Crise Financeira: Análise das Posições de Estados Unidos, China, Alemanha e Brasil. *Revista Brasileira de Política Internacional*, 55 (2), 10-27.
- Ramos, L., Garcia, A., Pautasso, D. & Rodrigues, F. (2018), A Decade of Emergence: The Brics' Institutional Densification Process. *Journal of China and International Relations*, Special Issue: 1-15.
- Rewizorski, M. (Ed.). (2015), *The European Union and the BRICS. Complex relations in the era of global governance*. Cham: Springer.
- Roberts, C., Leslie A. & Saori K. (2018), *The Brics and Collective Financial Statecraft*, Oxford: Oxford University Press.
- Røren, P. & Beaumont, P. (2019), Grading greatness: Evaluating the status performance of the BRICS. *Third World Quarterly*, 40, 429-450 doi:10.1080/01436597.2018. 1535892.
- Stephen Matthew D. & Michal Parížek. (2019), New Powers and the Distribution of Preferences in Global Trade Governance: From Deadlock and Drift to Fragmentation. *New Political Economy*, 24:6, 735-758, DOI: 10.1080/13563467.2018.1509065.
- Stuenkel, O. (2014), Emerging Powers and Status: The Case of the First BRICs Summit. *Asian Perspective*, 38 (1), 89-109.
- Turkmani, A. (2011), The perspective of the international economic system: a future research approach. *Economic Research and Policy Quarterly*, 20 (61), 193-215 (In Persian).
- Wang, H. (2017), New multilateral development banks: Opportunities and challenges for global governance. *Global Policy*, 8, 113-118. doi:10.1111/1758-5899.12396.
- Xinhuanet (2018), *Full text of BRICS Summit Johannesburg Declaration*. Retrieved from [http://www.xinhuanet.com/english/2018-07/27/c\\_129921358.htm](http://www.xinhuanet.com/english/2018-07/27/c_129921358.htm).
- Yan, L. S. (2018), *BRICS and BRICS Plus: Unlocking growth potential*. available at: <https://www.thestar.com.my/business/business-news/2018/09/11/brics-and-brics-plus-unlocking-growth-potential>.
- Yeung, K. (2021), *Could US sanctions and closer Middle East ties fuel the rise of China's petroyuan?*. published at: <https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3128103>.
- Zhao, H. (2019), *China and global economic governance: Does BRICS matter?*. *Handbook on China and globalization*, Cheltenham: Edward Elgar, 322-341.